

## بحران عراق و موقعیت جمهوری اسلامی

**هفتگی میبرسد: اوضاع عراق کماکان وخیم است. جنگ داخلی هر روز بیشتر از روز قبل زیانه می کشد. پیامدهای این بحران بر جامعه ایران چیست و چه تغییری در موقعیت جمهوری اسلامی ایجاد کرده است؟**

**مظفر محمدی:** تا یک ماه پیش و قبل از سر بر وحدت طبقه کارگر و در جهت منافع استقلال با الحاق کرکوک را بلند کرده است. آوردن چریانی به نام داعش، عراق یک پارچه بورژوازی کرد و سنی و شیعه و دولتهای استقلالیه که مورد حمایت اسرائیل و ترکیه و متحد شعار و خواست همگی از آمریکا تا حامی شان است. از دولت آمریکا تا دول که برنامه خاورمیانه جدید را از آرشیو بیرون جمهوری اسلامی، دولت ترکیه و دولت مرتجع منطقه پشت این سناریو ایستاده اند. کشیده اند، قرار گرفته است. استقلالی که مرکزی عراق و دولت اقلیم کردستان بود. از دولت ترکیه با حمایت از داعش در رقابت با حمله داعش به بعد و با تصرف بخشهایی از دولت مالکی در عراق و جمهوری اسلامی عراق تحت نام منطقه سنی ها، ناگهان ورق ایران از طرفی و با پشتیبانی از استقلال بر گشت و سناریوی جدیدی مطرح و طرفدار کردستان از طرف دیگر، هدف تسلط سیاسی و اقتصادی خود بر مناطق سنی و کرد نشین پیدا کرد. در این سناریو عراق به سه قسمت شیعه و شمال و مرکز عراق را دنبال می کند و بتدریج سنی و کرد نشین تقسیم می شود. تقسیم و به این هدف نزدیک می شود. تجزیه عراق بر اساس قومیت و مذهب، بارزانی رئیس اقلیم کردستان، حمله اسلامی سناریویی به شدت ضد کارگری و ضد ها به عراق را به فال نیک گرفته و علم

سید استیلا

## جنگ و جنایت علیه مردم غزه باید متوقف شود!

فواد عبدالمهدی

و سرانجام با گذشت بیش از دو هفته از جنگ و جنایت دولت اسرائیل علیه مردم غزه، آقای اویاما و خانم مرکل با وقاحت تمام به حرف آمدند: دفاع، حق اسرائیل است ... ما در کنار اسرائیل هستیم ... هیچ کشوری نمی تواند تحمل کند که به داخل مرزهایش موشک شلیک شود. ...

کیست که نداند، تاریخا دولت اسرائیل با نهادینه کردن نژاد پرستی و نمایندگی یک تروریسم افسار گسیخته دولتی که به هیچ مرجع و نهادهای پاسخگو نیست، با قتل، تحقیر و پاک سازی قومی، علاوه بر اعمال شنیع ترین حق کشی بر چندین نسل از مردم فلسطین و راندن آنها به موقعیت پست در جامعه، خود عامل اصلی گسترش ناامنی و بی ثباتی و یک پای ارتجاع در منطقه بوده است. بیش از نیم قرن تحقیر و آدم کشی و زیر پا گذاشتن همه قوانین بین المللی، دولت اسرائیل این عزیز دردانه آمریکا و ژورنالیزم نوکرسفت، بار دیگر، حق قضاوت سره از نا سره را بخود داده است. در این دفاع محکم حضرات اما یک حقیقت اساسی نهفته است: این جنگ نه تنها فاشیسم و لحام گسیختگی دولت اسرائیل را پار دیگر آشکار میکند، بلکه عمق ریاکاری جامعه بین المللی و ضدیت واقعی اش با منافع مردم جهان را نیز به نمایش می گذارد. همه بیاد دارند که کره شمالی، بخاطر آزمایش دو موشک در دریا فوراً زیر فشار رفت و محکوم شد، اما جنگ هر روزه اسرائیل علیه مردم فلسطین، کوبیدن وحشیانه غزه و آواره کردن هزاران هزار انسان نه تنها محکوم نمی شود که با چراغ سبز حضرات رسماً مشروعیت می یابد. ... صفحه ۲

## در تکاپوی جذب آهوان سرمایه

مصطفی اسدیپور

” سرمایه و سرمایه گذار همانند آهوانی هستند که بدنبال فضای امن و آرام میگردند و کوچکترین ناامنی، آنها را فراری میدهد. این از اظهارات رئیس مرکز تجارت بین الملل جمهوری اسلامی در همایش مرکز جامع صادراتی ایران در تاریخ هجدهم تیرماه و از جمله مندرج در سایت اقتصاد ایران است. در همین نشست لیست پالابندی مطالبات بقول خودشان دلسوزانه تسلیم رئیس جمهور روحانی گشت. ... صفحه ۳

## جنبش زنان به تحرکی رادیکال نیاز دارد

موناشاد صفحه ۴

## ”آزادی احزاب“ اسم رمز جناح های سرمایه در ایران

امان کفا

بدنبال وعده های آزادی تشکل روحانی، بالاخره کلیات طرح ”آزادی احزاب“ اعلام شد و به تصویب مجلس اسلامی رسید. مصوبه ای - آنچه در کلیات - همراه با ظنن لهله قمه زنهای ناجی و معتدل که قرار است ۳۰۰ نفر بعد از ۹ ماه عضویت در نهادی که متعهد به ولی فقیه و نهی از منکر باشد، در صورت توافق هیئت از خود حاکمان بتواند جواز فعالیت قانونی و رسمی و حزبی کسب کنند و هرآنکه در این اصول خطا کند، نه تنها اخراج بلکه حتی حق عضویت در نهادی دیگر را نیز نخواهد داشت! اهداف این پروژه و این طرح، حامیان و سینه چاکان آن معلوم و معرفی اند. این رژه سرمایه و سرمایه داران ایرانی و دولت آنها روی فرش قرمز است؛ رژه آنهایی است که دست جمعی در رکاب اصلاح حضرت روحانی، جهت حقه کردن آیه گشایش سیاسی به مردم ایران تلاش ها کردند تا بالاخره بخشی از جامعه را در توهم رسیدن به آزادی زیر چتر اهداف سرمایه به پای صندوق رای آورند و نهایتاً تا امروز در انتظار نگه داشته اند. البته بی انصافی است اگر همت بی وقفه جریانات رنگارنگ غیر کارگری که بر طبل بهبود می کوبیدند را فراموش کرد و به همان اندازه مهم نباید حقارت امروزشان را هم نادیده گرفت. امروز دیگر خبری از آن خزعبلات طرفداران جامعه مدنی، آنان که کارگر و کمونیسم را تمسخر می کردند و مربوط به دوران سپری شده می پنداشتند، آنان که بهشت برین دموکراسی مدرن در ایران را با صف کشیدن ته عایی روحانی وعده می دادند، نیست. همگی سوراخ موشی دست و پا کرده اند و تا اطلاع ثانوی به جویدن ناخن هایشان مشغول اند. معلوم شد که کمونیست ها مثل همیشه حق داشتند. ادامه حاکمیت بورژوازی ایران منوط به بکارگیری سلاح سرکوب عریان علیه جامعه ای است که زمانی یکی از کله گنده ترین دیکتاتوری ها را توسط یک انقلاب به زیر کشیده بود. لذا تا سرمایه هست قانون سرکوب هم پابرجاست! ... صفحه ۳

به این می گویند استاندارد حق قلدری در منطقه! و این حق نامقدس، محصول به شکست کشاندن انقلابات بهار عرب توسط دول غربی و در راس آن آمریکا و بعد از عقب نشینی و افتضاح اش در سوریه، به همه عطا شده؛ حتی که سالها در جیب اختصاصی دولت اسرائیل بود امروز به گردن ایران و ترکیه و عربستان و قطر نیز آویزان است. پیخود نیست که زیر دماغ عمو سام، داعش و بارزانی هم شمول چنین حقی می شوند و بعضا خواستار آند. آنچه امروز روی دست آمریکا مانده چیزی نیست جز مشتکی گانگستر و بانده سیاه در خاورمیانه. حقیقت اینست که از یکسو، طی یکصدسال گذشته، استراتژی آمریکا و غرب در طی ماجراجویی هایشان در خاورمیانه هیچگاه اینچنین دچار سکنه سیاسی نشده است. فروپاشی ای که نه قابلیت آرایش دوباره دارد و نه بزک می شود. از سوی دیگر، پناهگاه ایدئولوژیک دوران جنگ سرد هم از جنگ شان خارج شده و قادر نیستند در فضای آن پناه گیرند، و شکست شان را به ارزش بگذارند و به افکار عمومی حقه کند!

دقیقا در همین راستا، فروپاشی اسطوره برتری حقوقی اسرائیل این پادوی آمریکا در منطقه و اعاده حیثیت از آن در مقابل دول ارتجاعی چون ایران و ترکیه و عربستان در اوضاع بحرانی خاورمیانه، عامل اصلی این قلدری نظامی است. الطاف و ویژه ایالات متحده و بخش هایی از دول غربی، هر چند هنوز شامل حال اسرائیل می شود، اما دیگر نمی تواند در معادلات سیاسی و نظامی منطقه سخن آخر را بزند.

تا جایی که به سران جمهوری اسلامی بر می گردد و اشک تمساحی که بر بستر این فاجعه می ریزند، بحث نه بر سر کشتار مردم بی دفاع غزه بلکه منفعت و بهره برداری از این بحران و نیرو گرفتن از نفرت عمیق مردم علیه جنگ افروزی اسرائیل و تقویت موقعیت جمهوری اسلامی است. تا وقتی که رهبران طبقه کارگر و کمونیست ها مردم را در دفاع از خود و پایان دادن به مصیبت تاریخی موجود در خاورمیانه بسیج و سازماندهی نکنند، تا وقتی که راهی برای خروج از این دور استیصال در مقابل جامعه قرار ندهند، ارتجاع مذهبی و قومی تنها نقطه امید مردم وانمود خواهد شد.

با وصف همه اینها، اینجا اسرائیل است. لزومی به پنهان کردن پتانسیل نهفته در جنایت نیست. با ورق رو میتوان بازی کرد. کار اینان آنقدر بالا گرفته که دیگر رعایت ظاهر را هم نمی کنند؛ ظاهر و باطنی عین

جهانبینی داعش! خودشان میگویند که مقابل با دکه حماس بهانه است، زور میگویند؛ حق مان است و کودکان و مردم را می کشیم و به کسی هم ربطی ندارد. هنوز باید دکان خبرنگاران و خبرنگاران از حق قتل عام مردم غزه پر باشد. از اینجا میتوان به سایر قدرتهای منطقه اخطار داد. اینجا ظاهرا هنوز میشود با پسمانده های استراتژی کدخدای خودگمارده سابق جهان، خودی نشان داد. منطقه جنون عریان است؛ حوزه جنگ و جنایت مدعیان حق! در پرونده دولت اسرائیل از این دسته جنایات تحت نام حق ملت یهود کم نیست. چیزی به آن اضافه نمیشود. خلاتی جهت پر شدن باقی نمانده است.

دولت قومی - مذهبی اسرائیل نشان داد که تا زمانی که هویت خود را بر اساس نفی بی پرده حق مردم فلسطین برای برخورداری از دولت مستقل تعریف میکند، نشانی از فروکش موج آدمکشی و برقراری صلح و امنیت وجود نخواهد داشت. آیا دورنمایی برای خروج از این کابوس نژاد پرستی دولتی و سیاست بولدوزر و اشغال نظامی و قتل و آدمربانی و بی ثباتی و ناامنی در منطقه خاورمیانه متصور است؟

دولت اسرائیل و توحشی که تا الان ببار آورده باید فوراً متوقف شود. تا هم اکنون هزاران بیگناه قربانی این حمله شده اند. غزه به تمامی با بمب و بولدوزر کوبیده شده است. مردم از کوچک و بزرگ به قتل می رسند و یا از نبود آب و برق و دارو و بهداشت جان می دهند. عقب گرد سیاسی، فرهنگی و اخلاقی ای که این تجاوز نظامی به کل جهان تحمیل می کند، ترسناک است؛ شوونیسم ملی، نژادپرستی، میهن پرستی، تعصب مذهبی، تروریسم و ژورنالیسم نوکر؛ اینها تنها گوشه ای از نیروهای سیاهی هستند که هم اکنون با این جنگ افسار گسیخته اند.

اگر آینده ای بخواهد وجود داشته باشد، پیدایش یک خط مشی فعال، آزادخواهانه و پیشرو در جلوی صف بشریت در سراسر جهان است و این امر کمونیست هاست؛ مقاومت در برابر توحوش اعمال شده در فلسطین و خاورمیانه فقط میتواند حول پاسخهای اثباتی برای معضلات سیاسی و اقتصادی گرهی عصر ما و حول یک موضع فعال نه برای حفظ وضع موجود، بلکه برای تغییر وضع موجود، سازمان یابد.

جنگ اسرائیل علیه مردم فلسطین، جنگ علیه بشریت است. مسولیت این جنگ تماما بر عهده اسرائیل است. سران دولت اسرائیل باید بعنوان جنایتکاران جنگی محاکمه شوند. ارتش اسرائیل باید فوراً از غزه و سایر

شعبه و کرد را پذیرفته و چشم خود را بر سناریوی ابدی شدن جنگ قومی و مذهبی در عراق می بندند و خود را به نفهمی می زنند.

از سوی دیگر جریانات ملی - مذهبی درون و بیرون رژیم در مورد حفظ تمامیت ارضی ایران هشدار می دهند. همه این شواهد، هشدار به طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران است که با چشمان باز این تحولات را نگاه کنند.

اهداف جمهوری اسلامی در منطقه از آغاز تاکنون در سازماندهی و حمایت از جریانات اسلامی چون حزب الله لبنان، حماس، دولت شیعی مالکی در بغداد و رژیم بشار اسد در سوریه برای کارگران و مردم زحمتکش ایران آشنا است. نتیجه این تمهیدات جمهوری اسلامی، صرف بودجه کلان و زدن از دستمزد کار و بیمه بیکاری و سفره زحمتکشان جامعه است. همچنین شعله و رنگه داشتن آتش جنگ و خصومت قومی و مذهبی، در منطقه برای جمهوری اسلامی در شرایط کنونی نه برای صدور اسلام که دوره اش سر آمده، بلکه حربه و بهانه ای علاوه بر تعرض به سطح معیشت طبقه کارگر، برای ایجاد فضای ارباب و سرکوب مبارزه طبقاتی و آزادیهای سیاسی کارگران و مردم ایران است.

نهایتاً، جمهوری اسلامی در تحولات خونین عراق، نقش یک جریان قومی و مذهبی و عنصر سناریوی سیاه را بازی می کند که کاری جز تحریک و بسیج شیعیان عراق و ایران به بهانه دفاع از اماکن مذهبی کربلا و نجف و دفاع از یک فرقه علیه فرقه دیگر نخواهد بود. روند اوضاع نشان می دهد که سرکوب بعضی ها و داعش و حفظ یکپارچگی عراق و حفظ دولت مالکی برای جمهوری اسلامی و دیگر حامیان آن غیرممکن شده است.

در نتیجه جمهوری اسلامی در تحولات کنونی عراق نه نقش ناجی عراق را دارد و نه برنده چیزی. عراق متحد تحت حاکمیت مذهبی - شیعی مالکی، بهترین گزینه برای ایران بود. این موقعیت اکنون از دست رفته است.

در تقسیم عراق به مناطق و دولت های سنی و شیعه و کرد، سهم ایران در دخالت سیاسی و بازار اقتصادی عراق کمتر و کمتر می شود.

درشت آن در پیشگاه مردم آزادشده فلسطین به محاکمه کشیده شوند دیر نیست؛ آن روز تمام جهان، بر آنچه اینان با مردم این منطقه کردند، خواهد گریست.

## آزادی احزاب ...

بورژوازی، خود شکی در این ندارد که این نظام پوسیده را تنها با تهدید و سرکوب می توان سرپا نگاه داشت. شکی نبود که مقابله با هرگونه خواست آزادی در ایران، راه دیگری جز سرکوب ندارد. نه نفهمی شان، نه اسلامی بودنشان، نه موافقت یا مخالفت شان با ولی فقیه، نه عمامه داشتن و نداشتن، نه اخذ مدرک دکتر از سپاه پاسداران و یا از دانشگاه های اروپایی، نه سپاه و سبزه پوشیدنشان، نه به موسیقی گوش دادنشان، تویتر داشتن و سایت داشتن شان، و نه ... هیچکدام چه امروز و چه دیروز، معیار آزادیخواهی اینها نبوده و نیست.

نکته اصلی همان ماهیت سرمایه داری در ایران است که برای کارآزان و تولید فوق سوده به حکومتی نیازمند است که اعدام های صد هزار نفره را براه اندازد، لشکر کشی به کردستان را از سر گیرد، جنگ را سازمان دهد، کودکان را در میدان مین گزاری شده رها سازد، دانشگاه ها را به پادگان تبدیل کند، هر

اعتراض کارگری برای پایه ترین خواست های انسانی را به گلوله ببندد، آپارتاید جنسی را نهادینه کند و ...

گفتمان "گشایش سیاسی" و "آزادی احزاب" اسم رمز مورد قبول جناح های سرمایه در ایران، جهت حقنه کردن همین اهداف و در انتظار نگه داشتن طبقه ای است که جانش به لب اش رسیده است. کل گشایش سیاسی به این اعتبار، گشایش سیاست سرمایه جهت سرکوب و خفه کردن کارگر است. همین و بس!

مسلم است که بورژوازی در ایران قادر نیست که حتی ذره ای به فعالیت آزاد احزاب مختلف سرمایه گردن نهد و همزمان از طرف دیگر، بی وقفه به سرکوب عریان و همه جانبه تشکل و تحزب در صفوف طبقه کارگر ادامه دهد. این را حتی شاه هم در بحبوحه دوران رونق اش با گوشت و پوست خود درک کرده بود. بی خود نبود که اعلام کرد: یا عضو حزب رستاخیز شوید یا از ایران بیرون روید!

تقصیر ما نیست که ساده لوحی لیبرال های وطنی، و کودنی کل لیبرالیسم ایران نمی تواند همین داده ساده سرمایه در ایران را بفهمد و هر بار با دیدن مهر گشایش سیاسی بر درب هر خمره ای، آب از دهانشان سرازیر می شود و چهارچنگولی بسوی مدینه آزادی خود برآمی افزند. و تازه بعد از ماجرای فهمند که تامین سودآوری لایه های سرمایه در ایران از مجرای همین سرمایه بزرگ و با توسل به سرکوب عریان ممکن است. بیخود نیست که هر بار مغلوب و مصلوب، غرغرنان به کنج لانه های خود می خزند.

در صورتیکه نزد کارگر کمونیستی که تصویرش از آزادی، رهایی از قید سرمایه و لغو کارمزدی است، کارگر آگاهی که می داند امر تشکل و تحزب اش نیازی به اجازه سرمایه دار و دولت اش ندارد، از همان آغاز، پوچی و شیادی مقوله آزادی زیر لوای طرح آزادی احزاب که مصلوب مجلس اسلامی است از قبل برایش مفروض است.

تصویب طرح جدید "آزادی احزاب"، بیانگر خواست ملغی کردن امکانات قانونی تشکل کارگر در ایران است. طرحی است برای حذف همان نیم بندهایی که انقلاب در ایران به دولت سرمایه در سال های اولیه حکومت جمهوری اسلامی تحمیل کرده بود و در عین حال، این طرحی است که امکان دخالت جناح های گوناگون سرمایه در حاکمیت سیاسی را تا اندازه ای قانونی تعریف کند.

این طرح، پاسخ حکومت اعتدال است به کارگران! پاسخی که بخصوص بدلیل اینکه در این دوره اخیر که گسترش اعتراضات کارگری در عرصه های گوناگون تنها کانون اعتراضات بوده است، از اهمیت بیشتری برای سرمایه در ایران برخوردار است. در واقع، مقابله ای است با هرگونه تشکل و یا حتی امکان تشکل رسمی و قانونی در محیط های تولیدی کمتر از حداقل ۳۰۰ نفر (بخش وسیعی از مراکز تولیدی بنگاه های خصوصی)، و یا پروژه هایی که کارگران فصلی در آن حضور دارند. ←

## در تکاپوی ...

طرح بکارگیری فارغ التحصیلان دانشگاهی در صنایع در دوره سربازی از جمله این مطالبات را تشکیل میدهد. هدف سمینار رفع موانع توسعه اقتصادی بوده و لب کلام آقای رئیس در این سمینار و هفتاد و هفت سمینار قبلی مرکز تجارت با تاکیدات و توضیحات ایشان ابدا دشوار نیست: فضای آرام سیاسی و امنیت اقتصادی!

ایران در تب رشد اقتصادی میسوزد. دروازه ها بر روی سرمایه باز است و تمام دستگاه حکومتی برای تامین شرایط مطلوب سرمایه های خارجی خود را به در و دیوار میزنند. امنیت و آرامش عبارات کلییدی ورود به شکوفایی و ثروت و عزت و جلال مملکت است. تصورش را بکنید چگونه از زمین و آسمان، مثل مور و ملخ انواع متخصص و کاردان اقتصادی، از مطبوعات و حوزه و دانشگاه و همه جا و با تن ها ادبیات رنگارنگ اقتصادی بجان ملت افتاده اند که راهی بجز امنیت و آرامش برای سرمایه وجود ندارد. در ایران امروز دیگر اینکه چگونگی و با چه تعجیلی قوانین و مقدسات اسلامی در مقابل شرط و شروط سرمایه سر از زیاله دانی درمیآورند! اینکه جناحهای متخصص حکومت با استدلالات و از زبان آدم اسمیت

است که بر علیه دیگری و برای نجات گاری در گل نشسته قیله عالم یقه میدرانند؛ مایه تعجب یا سرگرمی کسی نیست. مساله محوری و گره گاه سیاسی آن جامعه نه در قطب سرمایه بلکه در قطب طبقه کارگر و مردم زحمتکش و حالت انتظار مسلط بر آن، قرار دارد.

فضای آرام سیاسی و امنیت اقتصادی، آرامش و امنیتی که امروز از توصیفات گل و بلبلای آن هر چه بیشتر باب میشود، موضوع انواع سمپوزیوم و دیالوگهای متخصصین یال و کویال دار قرار میگیرد، بر یک واقعیت زمخت و نخراشیده استوار است که عاقدانه دور زده میشود. دوره درخشش اقتصاددانان بر سه دهه سرکوب وحشیانه استوار است. سن هایی که برای حضرات خالی میشود تا همین چند وقت پیش در اشغال برادران پاسدار و شورای اسلامی و با تخصص شناسایی و شکنجه، و در میان نعره های تکبیر و ترور قرار داشت. امروز در سالنهای مجلل و آراسته به گل، در لابلای سر تکان دادن آرام و متین سخنرانان موضوعات بحث متفاوتند، فریبنده اند، قابل توجه بنظر میآیند. رشد اقتصادی، کنترل بحران، کنترل تورم، اشتغال، تغییر موازنه مبادلات بشفع صاد

رات، افزایش قدرت خرید شهروندان و امثال آن بمراتب از خزعبلات دینی انسانی تر و به زندگی شهروندان نزدیک تر است. اما در هیچ کجای این ضیافت باصطلاح زمینی و مادی و واقعگرایانه اثری از حقیقت زندگی دهها میلیون کارگر و مردم زحمتکش دیده نمیشود. قرار است که سرمایه و سرمایه داری نجات بخش از آب دربیاید، اما کسی از فجایع تاکنونی حاصل کارکرد سرمایه سخن نمیروند.

بیان تاکنونی سرمایه در ایران خط میخورد و رو به آینده همه کاخ دانش نجات بخش جملگی حضرات بر روی یک محور استوار است: کارگر ساکت و کارگر آزران! پیش شرط همه وعده ها و بهشت موعود این حضرات، همه پیشرفته ها و جبل و چبروت مورد ادعای این جماعت و منت گذاشتن سرمایه اینها در سودی است که باید از کار کارگر برای سرمایه تضمین شده باشد. فضیلت و درافزوده این اقتصاد دانان چیزی بیشتر از تاکید بر دردانگی آهو منشانه سرمایه از آب در نمایند! هنر این جماعت در این است که از پیش ذهن و توقعات کارگر را برای دوره ای از فشار کار و استثمار آماده کنند. هنر این جماعت در این است که از پیش هر گونه توقع کارگری را بایکوت کند و جامعه را علیه

اعتصاب و اعتراض آتی بسیج نماید. تصفیه حساب با ادعاهای اقتصاد دانان این جماعت امری ثانوی است. با اولین موج اعتراض کارگری تئوری نیم جویده فرضی این جماعت پنجر خواهد شد، همانطور که موج ضد کمونیستی جهانی با موج بازگشت مارکس از اعتبار افتاد. اما توجه به اظهار وجود این جماعت از طرف طبقه کارگر از آن جهت ضروری است که بجای فضای انتظار امروز، صفوف خود را برای کشمکشهای آتی آماده سازد.

طنز و نکته خنده اور اینست که رسانه ها و تریبونها و کردورهای فکری اقتصاد ایران مملو از فضل فروشی همین اقتصاد دانانی است مدعی اند طبقه کارگر اهمیت خود را از دست داده است، ساختار طبقاتی در ایران بنفع خرده بورژوازی عوض شده است، طبقه کارگر در انقلاب نقشی ایفا نکرده است، طبقه کارگر در ایران از بضاعت فکری و سنت تشکل بی بهره است و ... آیا میشود انتظار داشت برای یک قلم کار مفید هم که شده با این استدلالات بروند مقامات حکومتی را قانع کنند که شاهرخ زمانی منشا خطری نیست، دست از سر مراسم بیست نفره اول بردارند و کارگران را بحال خود بگذارند؟

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

## جنبش زنان به تحرکی رادیکال نیاز دارد

مونا شاد

نظام سرمایه داری برای استحکام بخشیدن به نفوذ و قدرت اش هر روز ترنند جدیدی در آستین دارد.

زمانی دربارہ جزئی ترین مسایل خصوصی در زندگی زنان لجن پراکنی می کند و فتوا میدهد؛ گاهی با ژستی متمدانه و دمکراسی خواهانه و برای رفع نیاز، زن را به میدان جنگ می برد، وارد بازار کار می کند و به حضور و شرکت در انتخابات ریاست جمهوری تشویق می کند. سرمایه داری و مذهب بعنوان یکی از اساسی ترین ابزار این نظام، همیشه و در کنار هم قرار داشته اند. رژیم اسلامی ایران بنا به خصلت سرمایه دارانه و مذهبی اش، زمانی که منفعت سرمایه ایجاب کند به اصطلاح انعطاف نشان می دهد و حتی ریسک می کند؛ بنحوی که سخت گیری در مورد حجاب را تخفیف می دهد و از زنان و دختران بدحجاب یا بی حجاب و عفاف برای تبلیغات و در خدمت کسب رای جهت بازتولید قدرت خود استفاده می کند! در انتخابات های ریاست جمهوری بارها شاهد بودیم که در خیابان ها دختران بی حجاب دوشادوش پسران تا صبح می رقصیدند و کسی دخالت نمیکرد. چرا که فردای آن روزها منفعت صندوق های رای و دمکراسی اسلامی بر شریعت و قدوسیت حجاب و عفاف می چربید!

طالبان و داعش، به زنان حکم جهاد النکاح و وعده بهشت را می دهند تا زنان مستاصل و

مسخ شده در جامعه ای که در آن سیاه ترین نیروهای تاریخ بشر رشد و نمو یافته اند، با زور شرع و اسلحه به خدمت جنسی جهاد گرایان اسلامی در آیند و حتی برای اینکار جایزه هم تعیین می شود. هر روز در گوشه و کنار این جهنمی که برای انسان ساخته و پرداخته اند مردان و زنانی را میبینیم که به جرم رعایت نکردن حجاب و یا قوانین شریعت اسلامی شلاق خورده اند، مجازات و مثله شده اند و بعضا تل اجسادی که سرشان را از نشان جدا کرده اند! در دوره جنگ ایران و عراق هم زنان زیادی، به بهانه کمک به جبهه های جنگ و نبرد مسلمین علیه کفار و تقدس خاک پاک وطن، توسط جمهوری اسلامی به کشتن داده شدند و یا مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند.

استفاده از کار تولیدی زنان در خانه ها، در دوره حاضر، به شدت در حال گسترش است و کارفرمایان برای پرداخت دستمزدهای پایینی، که مردان حاضر به پذیرش آن نیستند، از کار زنان در کارگاه های کوچک یا در کار خانگی استفاده می کنند. به منظور اجتناب از ایجاد مهد کودک در کارخانه ها و کارگاه ها و پرداخت دستمزد زنان کارگر در دوران حاملگی، صاحبان سرمایه آشکارا می گویند که: استخدام زنان دردسر دارد و به صرفه نیست. بعلاوه برخی از صاحبین کارخانه ها با اتکا به آپارتاید جنسی موجود در قانون دولت و فرهنگ حاکم بر جامعه، مانع از

گرفتن قانونی و دراز مدت حضور متشکل کارگر در این پروسه را بخشکانند. به همین دلیل، باز هم یکی از راه های سد بندی در مقابل این تعرض بورژوازی، تحمیل خواست مجمع عمومی منظم است. متکی کردن هر جمع و انجمن صنفی و هر تشکلی به مجمع عمومی منظم، راه مناسبی برای مقابله با این طرح است.

فراتر از این، تقابل و به شکست کشاندن چنین طرح های بورژوایی، نه از کانال دنبال کردن پروسه قانونی و توسل به نهادهای قانونی جمهوری اسلامی، و نه تمکین به سیاست انتظار، بلکه کاملا برعکس، با اتکا به مجمع عمومی منظم و رفتن پای این تشکل در محیط کار، ممکن می شود. بی شک این فرض است که پیش شرط

استخدام زنان می شوند. ماهیت نظام کثیف سرمایه داری با مذاهب و کلیساها و مساجد و کشیش و ایت الله هایشان همین است. زمانی مادر مقدس است و بهشت زیرپای مادران و زمانی در خدمت جنگ و سربازان امام زمان اند. زمانی به کار زنان احتیاج دارند و مدتی بعد وظیفه مقدس حفظ خانواده را برعهده شان نهاده و صندلی اقتصاد و استقلال را از زیر پایشان می کشند و آن ها را روانه خانه می سازند. زنان اکنون در ایران از نظر سرمایه و سود و بکمک اسلام ناب محمدی باید به ماشین تولید کننده جمعیت تبدیل و مجبور شوند صبح تا شب به وظایف مادرانه و خانه داریشان برسند و وقیحانه می گویند برای رفاه و ارتقاء جایگاه زن اینکار را می کنند!

روزی که روحانی وعده منشور حقوق شهروندی را داد و اولین زن ۲۶ ساله مجردی در زاهدان به سمت شهرداری انتصاب شد، لیبرال ها، اصلاح طلبان، جنبش سبزی ها، زنان فمینیست یک میلیون امضائی ها و... اجرای قول های انتخاباتی روحانی و بهبود وضعیت شرایط جامعه و مردم را بشارت دادند و در این باره قلم فرسایی ها کردند.

امروز اما این طیف، در مقابل تعرض آشکار به معیشت و زندگی زنان کارگر و تبعیض و محرومیت از پست های مختلف شغلی، سکوت اختیار کرده اند. وقتی شرایط کنونی را با جنبش رادیکال و چپ زنان در سالهای اخیر مقایسه می کنیم، متوجه در جا زدن این

تضمین نیروی کار ارزان، مقابله دولت با هر گونه تشکل کارگری در ایران است. این وظیفه کارگر آگاه و کمونیست است که اجازه ندهد افق بهبود شرایط زندگی و معیشت توده کارگران را به بهبود شرایط برای سرمایه گزاری در ایران و بهبود کارآفرینان گره زنند. اعتراض کارگر متشکل، همیشه در ایران غیر قانونی بوده و بایستی آنرا به سرمایه تحمیل کرد. تحمیل قبول تشکل کارگری به سرمایه دار و دولت اما، تنها و تنها از طریق بوجود آوردن و تضمین حضور جمعی کارگران، و منظم بودن تجمع آنان در محیط کار، ممکن می گردد. بهبود شرایط کارگران، بدون تشکل و حضور متحد شان، غیر ممکن و دست نیافتنی است.

جنبش می شویم. بخاطر بیابوریم که این جنبش مبارزات معینی را در مقابل تعرض جمهوری اسلامی سازمان داده و قد علم می کرد. سازماندهی گسترده اعتراضات علیه قانون اساسی ضد زن در جلوی دانشگاه تهران تا تجمع میدان هفت تیر، تجمعات در جلوی قوه قضائیه بهارستان علیه اعدام کبری رحمانپور تا جلوی دفتر سازمان ملل در خیابان معلم، سازماندهی ۸ مارس های مکرر و غیره تنها گوشه هایی از این جنبش پیشرو و رادیکال بود.

امروز متأسفانه شاهدیم که این عرصه رها شده و بی صاحب است. اگرچه مبارزات دایمی زنان و جوانان علیه رژیم اسلامی، بخصوص علیه حجاب اجباری به نام آزادی های یواشکی، لغو عملی حجاب و... تودهنی به رژیم است اما جنبش ما نیازمند فراتر رفتن از این موقعیت است. نباید بدون رادیکالیسم و سازمان و در این حد و مقطع از خواسته های خود ماند و پیشروی چشمگیر و ادامه کاری نداشت. تعرض و دست درازی به معیشت طبقه کارگر، تداوم تبعیض، تفکیک جنسیتی، تصویب قوانین گسترده ضد زن، در ماهیت و سیاست و برنامه های جمهوری اسلامی عجین شده است. این رژیم بدون این سیاست ها نمیتواند به حیات خود به مثابه جمهوری اسلامی ادامه دهد. جمهوری اسلامی یک غده سرطانی در جامعه ایران است که جز با ریشه کن کردن اش، آب خوش از گلوی کارگران و مردم زحمتکش تحت تبعیض و آپارتاید جنسی، پایین نمی رود. تعرض های مکرر و هر روزه این دوره جمهوری اسلامی به زنان، اخراج و خانه نشین کردن زنان و عقب نشاندنشان از محیط های کار و عرصه های اجتماعی، تعرضی است به کل طبقه کارگر! جنبش زنان با پشتیبری طبقه کارگر، به سازماندهی مجدد و پیشرو تر خود توسط زنان سوسیالیست، نیاز دارد.

**www.hekmatist.com**  
 سردبیر: فواد عبدللهی  
**fuaduk@gmail.com**  
 تماس با حزب  
**hekmatistparty@gmail.com**

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

کارگران جهان متحد شوید!